

اقتصاد ما و ورشکستگی اقتصاد کلان



مراد ارادپوری

دکترای اقتصاد وعضوهیئت‌علمی دانشگاه

آیا فرادستان می‌دانند که رکود تورمی چیست؟ و چه بر سر فرودستان می‌آورد؟
آیا فرادستان می‌دانند که مصیبتی به نام کاهش مستمر ارزش پول ملی عزای عمومی را شکل داده است و علیرغم آن، جلوی رشد بی‌رویه آن را نمی‌گیرند؟ آنها از بیکاری جوانان تحصیل‌کرده و سیل مهاجرت آنها خبر دارند؟
رخداد بیکاری همراه با تورم را رکود تورمی می‌گویند. این رخداد اگر سال‌های متمادی جامعه‌ای را درگیر خود کند، بدنه اجتماعی آن جامعه مانند دیواری است که موربانۀ آن را می‌خورد. اگر در سطح اقتصاد خرد پدیده‌ای به نام ورشکستگی قابل تصور است، درباره اقتصاد کلان آیا تعبیر ورشکستگی، تعبیر درستی است؟
اگرچه این تعبیر رایج نیست، اما جوامعی که به دلیل بحران‌های اقتصادی دچار تزلزل و اضمحلال یا فروپاشی شده‌اند یا دولت‌هایی که به این علت سقوط کرده‌اند، دقیقاً مشابه سطح اقتصاد خرد، می‌توان آنها را مشمول ورشکستگی دانست.

چرا دولت در عمل نسبت به کاهش ارزش پول ملی و بیکاری ساختاری منفعل است؟ مگر نباید با سیاست‌های پولی و مالی، اسباب مهار تورم و رشد سرمایه‌گذاری را فراهم و سیاست‌های تثبیت را اجرا کرد؟ دلار با همه فراز و فرود متعدد، از ابتدای اردیبهشت ماه سال جاری، ظرف هشت ماه، بیش از ۵۰ درصد رشد داشته است، این از نظر علم اقتصاد فاجعه است. از سال ۹۷ تاکنون که هفت سال می‌شود، بهای ارز، حدود ۱۲ برابر شده است!

کینز، اقتصاددان مشهور، مطلبی به این مضمون به نقل از لنین در ص ۲۳۵ کتاب «پیامدهای اقتصادی صلح» آورده است: دولت‌ها می‌توانند از طریق تورم‌های مستمر و مداوم، بخش زیادی از ثروت شهروندان خود را مخفیانه به نفع بعضی دیگر مصادره کنند. یعنی درحالی‌که برخی را فقیرتر می‌کنند، برخی دیگر را ثروتمند و غنی‌تر کنند و از این طریق نیز در عمل امنیت و سرمایه اجتماعی را از میان جامعه بردارند. کینز در پی این سخن می‌گوید: مطمئناً لنین درست می‌گفت، هیچ وسیله‌ای تیزتر و مطمئن‌تر از بی‌ارزش‌کردن پول ملی برای ذبح‌کردن بنیان‌های جامعه وجود ندارد (همان، ص ۲۳۶). این فقط درباره یک بیماری در اقتصاد کلان به نام تورم است، اگر با بیکاری همراه باشد، چه فاجعه‌ای می‌شود؟

چرا مسئولان عالی‌رتبه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نسبت به رشد فقر عمومی و از میان رفتن سرمایه اجتماعی و سلب اعتماد مردم، عکس‌العمل مؤثری نشان نمی‌دهند. مگر می‌شود که تورم سبب خنوار حداقل صددرصد در سال باشد و رشد درآمدها ۲۰ تا ۳۰ درصد؟ یعنی ۷۰ درصد فرونشست خنوار در تلافی... سابقه این روند، خیلی فراتر از جنگ دوساله اخیر جریان مقاومت با رژیم صهیونی و آمریکاست. اثرگذاری تحریم را با توجه به شرایط باقیوۀ اقتصاد می‌سنجند. اقتصاد ایران می‌تواند تکانه‌ها و ضربه‌های خارجی را بهتر از گذشته مهار کند و شرایط را بهبود بخشد. رجوع به آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد که اقتصاد ما در دوره دفاع هشت‌ساله از نیمه ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ تحت شرایط بسیار دشوارتر، در مهار تورم و رشد سرمایه‌گذاری به مراتب بهتر عمل کرده است. می‌دانیم که پشتوانه پول ملی، تولید کالا و خدمات است. تولید نیز به سرمایه‌گذاری و اشتغال، همچنین به رشد دانش فنی و سیاست‌های دولت و نظایر اینها وابسته است. تحت یک محیط‌زیستی که ایجاد می‌شود، فعل و انفعالات اقتصادی انجام می‌شود. آیا دولت‌ها در ایجاد فضای کسب‌وکار مناسب، مطلوب عمل کرده‌اند؟ معمولا از اثر، پی به مؤثر می‌برند. منکر اثر، نامطلوب تحریم بر اقتصاد ایران نمی‌توان شد. اما منابع طبیعی کشور و وجود کشورهای دوست و اتحادیه‌های اقتصادی نسبتاً همراه، وجود انسان‌های دلسوز و کارآمد در کشور، سبب شده تا انتظارات عقلایی مردم و بنگاه‌های اقتصادی را به مراتب بیش از چیزی نشان دهد که اوضاع اقتصادی کشور تاکنون پشت سر گذاشته است.
دقیقا انتقادهای فرهیختگان آشنا با موضوع، از کارکرد حاکمیت به همین جهت است. رشد سرسام‌آور تورم و بیکاری، سبب رشد فقر عمومی شده است، بیم آن می‌رود که این روند، اساس و بنیان حیات اجتماعی و ارتباط مردم با حاکمیت را مضمحل کند. تا بیشتر از این دیر نشده، باید مسیر تکرار رفتار گذشته اصلاح و اوضاع متحول شود.

۵ صفحه ادامه‌دار

یکشنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۴
۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷
۱۴ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۷۹
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

دوئل غیرمستقیم سرخ‌های تهران و تبریز • سفر فوری استیو ویتکاف به آلمان برای دیدار با زلنسکی و رهبران اروپا • اسد در روسیه چه می‌کند؟

از صبح شنبه قیمت سوخت در ایران سه نرخی شد:

افزایش محتاطانه قیمت بنزین

گزارش تیتربیک را در صفحه ۴ بخوانید



یک کتاب، یک نویسنده؛ گفت‌وگوی احمد غلامی با مسعود کیمیایی درباره کتاب «حسد»

این کیمیایی دیگری است

یادداشت

زلزله ارمنستان؛ شش روز تعیین‌کننده



روزبه کردونی

وجود نداشت. در شش روز نخست پس از زلزله، آنچه چهار سال پروسترویکا نتوانسته بود عیان کند، با خشونت تمام آشکار شد: بحران حکمرانی- تلویزیون شوروی، که عادت داشت روایت را کنترل کند، این‌بار از مهار واقعیت بازماند. تصاویر دهکده‌هایی که دیگر وجود نداشتند، بیمارستان‌های ناتوان و مردمی که بدون چادر، دارو و غذا در سرما رها شده بودند، از صفحه‌ها عبور کرد. نمایش رنج ممکن بود، اما نمایش کارآمدی نه. اصرار اولیه حکومت بر بی‌نیازی از کمک خارجی -بیش از آنکه تصمیمی فنی باشد- ژستی نمایشی بود که خیلی زود فروریخت. میخائیل گورباچف که در مارس ۱۹۸۵ با وعده نوسازی و شفافیت به قدرت رسیده بود، در میانه بحران مقامات و رسانه‌ها را به حقیقت‌گویی تشویق کرد. این دعوت، ناخواسته، به نقطه بی‌پارگشت بدل شد، زیرا وقتی حقیقت درباره زلزله گفته شد، راه برای گفتن حقیقت درباره همه چیز باز شد: درباره فساد ساختاری، ناکارآمدی مزمن و شکاف عمیق میان روایت رسمی و زندگی واقعی. در شش روز، افکار عمومی شوروی بیش از

یادداشت

ارز ترجیحی و آتش نخورده‌ای که دهان مردم را سوزاند



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

واردکننده و درجه «تعامل» میزان دولتی بستگی دارد. برای اینکه تصور درستی از اهمیت پرونده داشته باشیم، کافی است بدانیم در بودجه سال جاری مبلغ ۱۱ میلیارد یورو برای واردات دارو، مواد اولیه و کالاهای اساسی کشاورزی با نرخ ترجیحی تخصیص یافته است. با درنظرگرفتن تفاوت نرخ ارز ترجیحی و آزاد می‌توان گفت دولت مبلغی در حدود هزارو صد همت یعنی نزدیک به ۳۰۵ برابر بودجه بارانه نقدی و کالاپر را برای هدف مهار قیمت

کالاهای مشمول طرح هزینه می‌کند. حال اگر فرض کنیم فقط ۲۰ درصد کالاهای دور از چشم شبکه نظارت دولتی و با قیمت بازار آزاد معامله بشود، دستاندارکاران این «تجارت» سودی بیش از ۲۰۰ همت را به اصطلاح عامیانه بدون چک‌وچونه به جیب خواهند زد.

مایه شگفتی است که شیوه توزیع یارانه نقدی و حذف برخی دِک‌های درآمدی که از دید دولتیان فقیر محسوب نمی‌شوند، سال‌هاست که به یک موضوع مناقشه سیاسی تبدیل شده است و منتقدان می‌گویند دولت می‌تواند با اصلاح شیوه توزیع مُلّا صد همت در سال صرفه‌جویی کند. اما حوزه‌ای با گردش مالی سالانه هزارو صد همت مورد غفلت قرار می‌گیرد و کسی کاری به کار ارباب «تعامل» ندارد.

کامران فانی در ۸۱سالگی درگذشت

دایرةالمعارف متحرک

بایادداشتی از بهاءالدین خرمشاهی



برگزیده‌ها

گزارش میدانی-تحقیقی «شرق» از فرسودگی و خرابی دستگاه‌های پزشکی و نبود قطعات مورد نیاز

به قیمت جان بیمار

سود و زیان رابطه بیونگ‌یانگ و مسکو

سربازانی که برای پوتین روی مین می‌روند

«شرق» از توقیف نفتکش در سواحل ونزوئلا، تشدید مناقشات نفتی و ارتباط‌دادن آن به ایران گزارش می‌دهد

کمین در کارائیب

ایهامات و پرسش‌های بی‌پایخ درباره یک ساخت‌وساز جنجالی

مجوز بدون نقشه؛ حریم جهانی کاخ گلستان در خطر

صدرالدین کاظمی، کارشناس کشتی، در گفت‌وگو با «شرق»:

۲۰۲۸، آخرین تمه قدرت ورزش کشور است

نگاه

بحران آوارگی در غزه

یادداشتی از محمود فاضلی

یادداشت

قمار بزرگ روی ویرانه‌ها

طالبان میان آمار و اعتراف، اعدام و اقتصاد



علیرضاجانی

در نگاه نخست، افغانستان امروز تصویری متناقض از خود ارائه می‌دهد: از یک سو گزارش بانک جهانی از رشد ۴۰۳درصدی اقتصاد در سال ۲۰۲۵ حکایت دارد و کابل برای میزبانی نشست مهم منطقه‌ای «اکو» آراسته می‌شود و از سوی دیگر، گزارش تکان‌دهنده یوناما از «بحران چندبعدی در تمام ابعاد زندگی» برده برمی‌دارد؛ بحرانی که با اعدام‌های علنی، حذف سیستماتیک زنان از جامعه، شکنجه و سرکوب منتقدان، بسته‌شدن ۴۲۲ مرکز درمانی و تداوم تعطیلی مدارس دخترانه معنا می‌یابد. این دوگانگی، جوهره حکومت طالبان است؛ گروهی که در عرصه سیاست خارجی و پشت میز مذاکره با پاکستان، قطر و ترکیه، خود را یک «دولت ملی مستقل» معرفی می‌کند و با زبان دیپلماسی سخن می‌گوید، اما در داخل، با منطق ترس و زور حکومت می‌راند. اعتراف کم‌سابقه سراج‌الدین حقانی، وزیر داخله طالبان، برده از این تناقض برمی‌دارد: آنجا که می‌گوید: «حکومتی که مردم را با ترس و زور اداره کند، حکومت واقعی نیست... ما خود آن‌قدر تحمل نداریم و مردم را محکوم و ذلیل می‌کنیم». اعترافی که نه نشانه اصلاح، بلکه گواه عمق بحران مشروعیت است. طنز تلخ تاریخ آنجاست که طالبان برخاسته از حمایت استخباراتی پاکستان، امروز به یکی از چالش‌های اصلی امنیتی و سیاسی اسلام‌آباد بدل شده است.

سازمان حقوقی ساری
HUMAN PROTECTION ORGANIZATION

نوبت اول

«خلاصه آگهی عرضه عمومی»

شناسه آگهی ۲۰۶۸۹۶۴

رجوع به صفحه ۳

م الف ۳۳۹۲

۵ صفحه ادامه‌دار